

ایجاد نهادهای متشکل ضرورت مبارزه طبقاتی

روز کارگر گرامی باد

روز کارگر در راهست ، روزی که کارگران جهان بیاد مقاومت تحسین برانگیز کارگران شیگاکویی که جان و زندگانی خود را از دست داده و یا زندانی ، بیکار و سرکوب شدند جشن می گیرند تا حماسه آنها الگویی برای دیگر کارگرانی باشد که می خواهند از حق خود دفاع کنند . از آن روزها سالهای بسیاری گذشته است ، سالهایی که کارگران چه پیش از آن روز و چه پس از آن ، هیچگاه از مبارزات طبقاتی دست نکشیدند ، زیرا که برای نفی موجودیت نظام ضرورت دارد . چرا نباید کارگران جهان با ایجاد تشکلات مستقل خود ، این روز را به خاطره ای خوش تبدیل نکنند تا حماسه به جشنی تبدیل گردد که نفی استثمار را بدنبال داشته باشد ! امید است که کارگران ایران بدلیل سرکوب شدید حاکمیت بتوانند ، بخشی از اعتراضات پراکنده را به نهادهای مستقلی تبدیل کنند تا پلی باشند برای ایجاد دیگر تشکلات مستقل که دیگر قابل سرکوب توسط طبقه سرمایه دار و نیروهای سپاهی و امنیتی اش نباشد ، اما تا آنروز راه دراز و کار زیادی باید انجام گیرد.

با وجود آنکه بر اثر مبارزات طبقاتی با تکیه برداشتی که توسط مارکس و انگلس تدوین گردید ، انقلابات سوسیالیستی در تعدادی از کشورهای جهان شکل گرفت ، اما با نهایت تاسف باید گفت امروزه در هیچ کجای جهان نیست که جامعه طبقاتی و استثمار حاکم نباشد . عدم وجود تداوم نهادهای سیاسی متشکل کارگری با توجه به ویژگی تحولات جوامع و دور اندیشی طبقات حاکم ، دلیل عمده ای است که ضرورت تاریخی نفی استثمار را به عقب انداخته است . حیرت آور است اما حقیقت دارد که پس از انقلاب سوسیالیستی در شوروی و با وجود آنهمه جانفشانیهای کارگران و روشنفکرانی که بپا خواستند تا موجودیت جامعه سرمایه داری را در روسیه نفی کنند ، باز هم طبقات و استثمار باقی ماند . انقلابات سوسیالیستی بعدی نیز نتوانست منکر این باشند که نقضی در نوع ایجاد تشکلهای حزبی و سیاسی وجود دارد که اندیشمندان مبارزات طبقاتی بعدی نتوانستند در پراتیک به آن پاسخ داده و از تکرار تجربه بازگشت همچون انقلاب شوروی جلوگیری کنند .

ارزش لنین در این بود که توانست اندوخته های مارکس را در پراتیک مبارزات کارگران روسیه به واقعیت تبدیل کند ، اما وی نتوانست و شاید امکان نداشت که دریابد نفی استثمار تنها در باور اعضای حزب برای فرو ریختن نظم سرمایه داری نیست ، بلکه ماهیت اعضا و رهبری در درون حزب بلشویک نیز باید تغییر نمایند . میراث تنوری مارکس و در ادامه لنین و دیگران بجای آنکه موجب پیشرفت مبارزات طبقاتی شود ، تنها به آیه هایی زمینی برای روشنفکران و بویژه نوع ایرانیش مبدل گردید تا یک دلیل برای عدم تحقق تشکلات مستقل باشد . روشنفکر انقلابی که وظیفه اش انتقال دانش مبارزاتی به کارگران برای نفی خود و کارگران و بطور کلی نفی نظام طبقاتی است ، بدور از پراتیک مبارزات طبقاتی به کپی گری از فاکتلهای اندیشمندان پرداخت تا به تثبیت موقعیت سیاسیش در گروه مربوطه تحکیم بخشد.

آری دانش تا زمانی دانش است که با زمان متحول گردد ، وگرنه امروزه حتی مارکس ، انگلس ، لنین و دیگر انقلابیون نیز نمی توانستند با تکیه بر تنوری زمان خودسوسیالیسم را تحقق بخشند و طبعاً دیگرانی بدون تکیه بر پراتیک و تنها با تفسیر میراث باقیمانده از آنها نیز قادر به انجام چنین ضرورتی نخواهند بود . این بخش از روشنفکران که به ماهیت سوسیال دموکراسی خود نسبت به روشنفکر انقلابی بودن شان بیشتر بها دادند ، مشکلات عدم تشکل یابی کارگران و ناتوانی در جذب آنها بویژه با استفاده از آیه های لنینی را ناشی از مشکلات درون گروهی خود دانسته که تنها نتیجه آن انشعابات متعدد و پایان ناپذیرشان بود . اصرار مداوم این بخش از سوسیال دموکراسی بویژه در گروههای مهاجر نشین از تفسیر سخنان مارکس و لنین در رفرمیست دانستن سندیکا ، تایید شورا و مجمع ، ایجاد حزب کمونیست و دیگر مقولات بدون تکیه بر پراتیک درون طبقه کارگر چنان عجیب است تا جمله معروف مارکس که تفاوت من با فیلسوفان پیشین نه در تفسیر و بلکه در تغییر جهان است به فراموشی سپرده شد.

باید درک شود که دانش مبارزاتی نه برای رهبری کردن ، بلکه برای انتقال به کارگران آگاه است تا آنها نیز به نوبه خود این دانش را به دیگر کارگران انتقال داده و با این ترتیب اکثریتی از کارگران به این دانش مجهز گردند . آنچه در

این پروسه اهمیت دارد ، انتقال و گردش رهبری در همه نهادهای سیاسی و حتی اقتصادی کارگری است تا اعضای حتی کارگری نتوانند با تکیه بر دانش و یا سابقه مبارزاتی ، رهبری خود را درون تشکلات تثبیت نمایند . در واقع نمود هر تشکلی با توجه به تغییرات درونی اش ، نماینده جامعه ای خواهد بود که از پس مبارزاتش شکل خواهد گرفت . انتقال دانش و توانایی به دیگر کارگران است که به جامعه بعدی بدون نظام طبقاتی مادیت می بخشد ، وگرنه حتی با انقلاب سوسیالیستی نیز چون تجارب گذشته ، تثبیت نظام و سرانجام طبقات شکل خواهند گرفت .

واقعیت امروز کارگران ایران محدود به چند تشکل مستقل کارگری و ترکیبی از کارگران و روشنفکران انقلابی است که بدلیل قرار گرفتن زیر سرکوب وحشتناک طبقه سرمایه دار در شکل مذهبی آن ، از تحولی که در بالا گفته شد بازمانده اند . واقعیت دیگر آنستکه در زیر همین سرکوب شدید ، چنین نیروهای هراسی از نیروهای امنیتی نداشته و زندگی خود و خانواده های خود را برای آرمانشان به خطر انداخته اند . واقعیت مهمتر وجود اعتراضات وسیع کارگران در سطح کشور ، اما بطور پراکنده است که نشان از آمادگی آنها برای ایجاد تشکلات مستقل و کیفیت جدید دادن به مبارزه طبقاتی است . امروزه وجود کارگران آگاه در کنار روشنفکران انقلابی هرچند محدود است ، اما آنها می توانند محوری برای ایجاد تحول در مبارزات باشند ، اگر شیوه تفکر سوسیال دموکراسی باقیمانده از تفکر گذشته را از خود دور نموده و دیگر فعالین را وادار کنند که نگاهشان به تنوری مبارزاتی براساس پراتیک متکی باشد .

ایجاد و حفظ سندیکاهای کارگری و فعالین کارگری مستقل شرکت واحد و هفت تپه در کنار دیگر تشکلات مستقل همچون کمیته هماهنگی ، اتحادیه آزاد کارگران ، انجمن صنفی فلزکار و مکانیک ، خودرو کار ، جمعی از فعالین کارگری ، کانون دفاع از کارگران ، کمیته پیگیری ، اصنافی همچون کارگران ساختمانی ، خیاباز و دیگران طبعاً بسیار ارزنده است . اما آنچه موجب شده که این تشکلات در زیر سرکوب گسترش نیافته و تحت نظر نیروهای امنیتی نتوانند فعالیت زیادی از خود نشان دهند و جایشان در زندانها و دادگاهها باشد ، عدم انتقال رهبری این تشکلات به کارگران جدید است که باید از پس انتقال دانش مبارزاتی ، توانایی گسترش تشکلات را داشته باشند . تنها زمانی نیروهای سپاهی و امنیتی و انتظامی قادر نخواهند بود تا به کنترل این تشکلات پرداخته و یا از ایجاد دیگر نهادهای جدید کارگری جلوگیری نمایند که مبارزات گسترده تر شده و فعالین بیشتری وارد کارزار مبارزاتی گردند . ارزش این کارگران و فعالین زمانی بیشتر می گردد که انتقال رهبری تشکل را به دیگر کارگران واگذار کرده و خود را نفی کنند ، وگرنه بصورت کمیتهای در خواهند آمد که کیفیت جدیدی نخواهند داد . تفکر روشنفکر انقلابی و حتی کارگران آگاه باید بالاتر از نقش دایی مهربانتر از مادر بوده و مبارزه را در گسترده تر شدن بدانند ، وگرنه چنانچه سالهاست تجربه نشان داده ، مبارزه در گردباد توفانی اعتراضات گسترده و پراکنده کارگران به سکون خواهد رسید .

بی شک روز کارگر در بسیاری از شهرهای جهان باشکوه برگزار خواهد شد ، این مراسم همزمان در برخی از شهرهای دیگر بدلیل فشار دولتها با ترکیبی از تشکلات مستقل و وابسته بطور محدود جشن گرفته خواهد شد . روز کارگر در کشوری همچون ایران بدلیل اختناق مجوز برگزاری حتی به تشکیلات وابسته نخواهد داد و مراسم در سالی با حمایت از ولایت فقیه با انتقاد از دولت بدلیل جذب آرای انتخاباتی توسط مسولان خانه های کارگر که خود را متولی جنبش کارگری می دانند ، برگزار خواهد شد . آنها هرگز خواستار اعتصاب و تجمع کارگران برای گرفتن حقوق خود نبوده و اعتراض را تنها به مسائل حقوقی منوط خواهند کرد . بقول دبیر اجرایی خانه کارگر قزوین اگر چرخ تولید نچرخد اولین قربانی کارگران هستند چرا که از نظر آنها کارگران قربانی نظام طبقاتی نیستند ، بلکه مشکلات آنها بدلیل توقف تولید است تا روشن شود که این مسولان بیشتر نگران سود سرمایه داران هستند . در مقابل نمایندگان کارفرماها گفته اند که برای افزایش هزینه مسکن و دیگر مزایا بسختی مقاومت خواهند کرد تا نشان دهند آنها چه نمایندگان بهتری نسبت به موکلان سرمایه دار خود نسبت به این مسولان زرد کارگری در دفاع از کارگران هستند ! البته چه بسا کارگرانی در مراسم روز کارگر تشکیلات خانه های کارگر نیز شرکت کرده و آنرا خارج از کنترل این مسولان زرد کارگری به انتقادات وسیعی تبدیل کنند .

سرانجام روز کارگر به توسط برخی از کارگران آگاه و فعالین کارگری بطور محدود در برخی از شهرها و بویژه در کردستان برگزار می گردد تا این روز با همه مشکلات گرامی داشته شود . امید است که این برگزاری موجب دستگیری و محدودیت بیشتر این فعالین منجر نشود تا در روزهایی که اکثریت کارگران بوجود آنها برای ایجاد تشکل دارند ، محروم نگردند . هیچ فعالی نمی تواند گرامی داشت روز کارگر و استثمار شدن را از فکر کارگران خارج کند ، اما شایسته است که نیروی کارگران آگاه برای ایجاد تشکلات مستقل گذاشته شود تا بکمک آنها ریشه استثمار قطع شود . چه خوبست که تدارک روز کارگر با ایجاد نهادهای متشکل اقتصادی و سیاسی با توجه به خصوصیات ویژه کارگران هر کشور همراه گردد . در ایران بهترین راه برای یادبود روز کارگر می تواند در محل کار تولیدی و خدماتی حتی در زمانی کوتاه با قطع کار و تجمع صورت گیرد و این خود زمینه ای خواهد بود تا تشکل مستقل نیز پا بگیرد .

یادبود مراسم روز کارگر می تواند در هر محل دیگری که کارگران و فعالین قدرت تجمع داشته و تعدادشان طوریکه ضربه پذیری را کم می کند نیز قابل انجام است. چه بهتر که این تجمعات در روزهای بعدی نیز تداوم یابد تا این دولت فریبکار که با تبلیغات از پرداخت زمین و یارانه بهمه افراد کشور سخن گفته، اما نمایندگانش چنین حقوق حداقلی را تصویب می کنند، را وادار به پرداخت حقوقهای عقب افتاده کارگران وابسته بکار دولتی، چه مستقیم و چه از طریق پیمانکاران دلال نماید. رییس دولتی که برای تبلیغات انتخاباتی به خوزستان و اصفهان سفر کرده و از ایرانی آباد و مستقل حرف می زند، ولی حاضر نشده کارگران نی بر و دیگر واحدهای تولیدی و خدماتی این دو استان را که از مشکلات فراوانی رنج می برند، ملاقات کند طبعاً تنها مدافع طبقه سرمایه دار است. کارگران باید درک کنند که تنها راه گرفتن حتی حقوق اقتصادی آنها با تجمعات و اعتصابات مداوم امکان پذیر است و این وظیفه کارگران آگاهست که با حضور در میان آنها و ایجاد تشکلات مستقل آنها امکان پذیر نمایند.

آری جشن روز کارگر زمانی شیرین خواهد بود که کارگران هر کشور آنقدر نیرو و تشکل داشته باشند که قادر باشند، نه تنها خواسته های اقتصادی خود را بگیرند، بلکه توانایی ایجاد تشکلات سیاسی برای ریشه کن کردن نظام طبقاتی را فراهم کنند. این سالها کارگران همه کشورها تحت استثمار مضاعف شیوه نظام نولیبرالیستی حاکم بر جهان قرار دارند، که توانسته اتحادیه های نیرومند کارگری نیم قرن پیش را تضعیف کرده و آنها را اسیر سه جانبه گرایی و دعوای حقوقی با سرمایه داران بکند که آرمان برخی در کشورهای جهان سومی است. استثمار کارگران تفاوتی نمی کند چه در کشورهای قدرتمند غربی و یا شرقی باشند و چه در کشورهای جهان سوم زندگی کنند، تنها تفاوت در نوع زندگی در رفاه نسبی و یا زیر خط فقر آنهاست.

وال استریت جنبشی بود که کارگران آمریکا را وادار به تفکری کند تا از رکود و مسالمت رهبران اتحادیه های کارگری آن کشور که بمراتب اعضایش کمتر از اتحادیه های کارگری اروپای غربی و کاناداست، خارج شوند. اما اعتصابات کارگری در اروپا و حتی کشورهای همچون اسپانیا، ایتالیا، پرتغال، یونان و دیگران در حال وسعت گیری بیشتری است تا صندوق بین المللی پول برای دادن وام، نتواند تسهیلاتی همچون سن بازنشستگی، حقوق، مزایا، آموزش، درمان و غیره را که بسختی در گذشته کسب کرده اند، برای افزایش سود سرمایه های بین المللی غصب کنند. اعتراضات و اعتصابات کارگری در تمام کشورهای پنج قاره جهان از آمریکا تا استرالیا، از اروپا تا آفریقا و سرانجام کشورهای آسیایی نشان از جنبشهایی با وسعت بیشتر دارند. اعتراضات و حوادث کارگری اخیر در این کشورها همچون کشته شدن دو کارگر بهمره تعدادی مجروح در کارخانه تولید کود شیمیایی آمریکا، تجمع هزاران کارگر بیکار ایتالیایی جلوی پارلمان، حذف شش میلیون شغل از آغاز بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ در اتحادیه اروپا تحت گزارش آی ال او که نرخ بیکاری ۶،۵ درصدی را اعلام کرده نمونه هایی از استثمار کارگران را در این کشورها نشان می دهد. شاید انتشار اخبار بحران اقتصادی و بیکاری کارگران در دیگر کشورها توسط خبرگزاری ایلنا و دیگر رسانه های وابسته برای اثبات بحران اقتصادی در جهان، فروکش کردن اعتراضات کارگران ایران باشد.

اخبار انتشار یافته در رسانه های رسمی حاکی از وضعیت اسفناک کارگران و حقوق بگیران روسیه و چین بعنوان بزرگترین کشورهای است که انقلاب سوسیالیستی کرده اند، اینکه چگونه حقوق بگیران تحت نظر مافیای سرمایه داران آنها دست و پا می زنند. زمانی که زنان روسی باید برای خرید خانه و تامین زندگی، حتی با آگاهی خانواده های خود در کشورهای ثروتمند غربی به تن فروشی بپردازند، درحالیکه مافیای آنها با خرید باشگاههای ورزشی و دیگر شرکتها پولشویی سرمایه رانتهی خود را انجام می دهند، ماهیت نظام مشخص می گردد. شرکت آمریکایی زنجیره ای وال مارت از کار کودکان چینی که باید تحت شعار سوسیالیسم به مدرسه بروند، باید محصولات این شرکت را تولید نمایند تا روشن شود که حقوق کودک در سیاستهای قدرتهای بزرگ چه مفهومی دارد. زمانی که کارگران چینی در مکانهایی که به اردوگاههای زندانیان شبیه است، باید برای شرکتهای بین المللی غربی که بدلیل ارزان بودن قیمت کارگران در چین سرمایه گذاری کرده اند، بدون داشتن آزادی و سلامت کار کنند، اخیراً نیز اعلام شده که زندانیان چینی نیز در بدترین شرایط تحت استثمار قرار دارند.

کارگران اروپای شرقی که آنها نیز تجربه انقلاب سوسیالیستی را دارند، نیز باید برای گذراندن زندگی به کشورهای انگلیس، آلمان، فرانسه، آمریکا، کانادا و غیره هجوم آورده تا پست ترین کار را انجام دهند. این موضوع برای کارگران کشورهای آمریکای جنوبی و مرکزی نیز صدق می کند که با شرایط سختی و گاهی بطور قاچاقی وارد بازار کار آمریکا و کانادا می گردند. بخشی دیگر از این کشورها همچون بولیوی، ونزوئلا و دیگران که دولتهای پوپولیستی آنها را اداره می کنند و حتی کوبا که شرایط متفاوتی دارد، با وجودی که کارگران از رفاه بیشتری برخوردارند، اما سرمایه ها همگی متعلق به دولت و قشر بوروکرات حاکم آنها می باشند. سختی شرایط زندگی برای کارگران کشورهای همچون برزیل، آرژانتین، مکزیک و برخی دیگر که صنعتی ترند، بمفهوم بهتر بودن شرایط کارگران آن کشورها نیست.

وضعیت کارگران دیگر کشورهای آسیایی ، آفریقایی هرکدام با اشکال متفاوتی و تحت دیکتاتوری بمراتب بدتر از کارگران کشورهای پیشرفته غربی هستند . چند نمونه از جنبشها و اعتراضات و حوادث کارگری این کشورها تنها در چند ماه اخیر آورده می شوند که همگی حاکی از بیدار شدن کارگران و تن ندادن به نظم سرمایه داریست و تنها باید درک ایجاد تشکلاتشان با استراتژی مشخص برای مقابله با نظام سرمایه داری روشن شود . از تظاهرات وسیع کارگران معادن آفریقای جنوبی که به کشتار بسیاری از کارگران منجر شد و اعتراضات هنوز فروکش نکرده است ، زمانی نگذشته است . ریزش ساختمان ۸ طبقه تولید پوشاک کارخانه ای در داکا پایتخت بنگلادش که کارگران در بدترین شرایط حقوقی و بهداشتی و ایمنی برای شرکتهای امپریالیستی کار می کنند ، منجر به ۱۵۹ کشته و ۱۰۰۰ مجروح از ۲۰۰۰ کارگر کارخانه گردید . اعتصاب کارگران اسکله های هنگ کنگ ، آغاز بزرگترین اعتصاب ۱۰،۰۰۰ کارگر کارخانه های چای ترکیه و اخراج روزانه ۲۰۰۰ کارگر یمنی از عربستان نیز نمونه های دیگری از وضعیت کارگران در این دو قاره می باشند . در بنگلادش کودکان زیر ۱۳ سال باید روزی ۱۵ ساعت در زیر آفتاب سوزان برای نصب فیبر نوری کار کنند و ساعتهای طولانی کار کارگران فیلیپینی در اردوگاههای کارخانه وال مارت نیز نمونه دیگری است . در ایتوپی والدین بیکار و فقیر مجبور به فروش کودکان خود بمبلغ ناچیز ۵۰۰ دلار هستند تا کارفرمایان آنها را در زیر زمینهای نمور و تاریک از ۵ صبح تا نیمه شب بکار وادار کنند . دختران زیر ۱۰ سال سن هندیهای فقیر نیز بشرط باکره بودن (؟) برای همیشه تنها با ۵۰۰ دلار در اختیار دلان شیخ های عرب قرار می گیرند تا پس از کار سخت تبدیل به فاحشه گردند !

در ایران بیکاری ، قراردادهای موقت و سفید امضا ، حوادث کار ناشی از نبود ایمنی ، افزایش کار کودکان و زنان با شرایط بسیار بدتر و خطر تجاوز جنسی ، عدم پرداخت حقوق ، حداقل حقوق مصوب معادل یک سوم زیر خط فقر و موارد دیگر با توجه به درآمد میلیاردی فروش نفت از همه کشورهای بدتر و بحرانی تر است . برخلاف نظر یکی از فرماندهان سپاه که اعتراضات کارگری کاهش یافته و این جزو سراب و هم انگیزی است که فرماندهان سپاه و دیگر مسولین امنیتی و سیاسی رژیم تلاش می کنند تا به ولایت فقیه بفهمانند همه چیز تحت کنترل آنهاست ، اعتراضات کارگری پس از تعطیلات نوروز آغاز گشته و بسرعت سراسری خواهد گردید . امکان دارد که سران و جناحهای رژیم با یکدیگر و یا قدرتهای بزرگ سازش کنند ، اما امکان ندارد که آنها با کارگران تفاهم کنند چرا که در دو طبقه ای نسبت بهم قرار دارند که ضد یکدیگرند و سود سرشار این طبقه سرمایه دار از استثمار هرچه بیشتر کارگران تامین می گردد . بهمین دلیل است که رایانه ها داده می شوند تا سیاست تقلیدی نولیبرالیستی تکمیل گردد ، اما حقوق حداقل کارگران در یک سومی خط فقر باقی می ماند . هرچند قدرت خرید کارگران با افزایش قیمت های انرژی و دیگر مواد غذایی ، پوشاک ، مسکن و دیگر نیازهای انسان ، بازهم بیشتر سقوط می کند . با آمار رسمی در سال گذشته حداقل ۵ کارگر در روز بدلیل نبود تجهیزات ایمنی کشته شدند ، گرچه تلفات واقعی بدلیل عدم دسترسی در مناطق دور افتاده در سراسر کشور باید بیشتر باشد ، اما هزینه ای بابت وسائل ایمنی جدید پرداخت نمی گردد . با قراردادهای موقت کارگران بیمه را از دست می دهند ، درحالیکه هزینه دارو و بیمارستان دانا افزایش می یابند . کارگران زندانی در بدترین شرایط در زندانها بسر می برند ، درحالیکه خانواده های آنها در بدترین شرایط زندگی قرار داشته و نمی توانند از پس هزینه های وکیل و غیره برآیند و تنها امیدشان به وکلای از جان گذشته ایست که کار آنها را مجانی انجام می دهند . امکان تهیه وثیقه برای آزادی موقت از زندان نیز خود مقوله ایست که خانواده های کارگران زندانی را در شرایط سختی قرار می دهد . حتی فرزند سرطانی که نیازش به پدر حیاتی است و یا نقص عضو کارگر زندانی ، موجب نمی گردند تا نیروهای امنیتی به آزادی بهنام ابراهیم زاده پدر و یا رضا شهابی رضایت دهند ، در حالیکه مسولان خانه کارگر از چنین مواردی همچون حق اعتصاب و حق تشکل حمایتی نمی کنند .

با همه این مسائل کارگران نورد لوله صفا با وجود گذشت یکماه از سال جدید ، توانستند با اعتراضات و تجمع بخشی از حقوق عقب افتاده خود را بگیرند ، هرچند مشکلات ادامه داشته و برخی در خطر اخراجند . تجربه آنها و دیگر کارگران نشان داده که سرمایه داران و دولت تنها در مقابل تداوم اعتراضات ، تجمع و اعتصاب کارگران حاضر به پذیرش خواسته های کارگران می شوند . آری تنها اعتراض ، اعتصاب ، تجمع در محل کار و جلوی ادارات دولتی و حقوقی ، راه پیمایی ، توقف تولید ، تحصن ، نامه نگاری و هرگونه راه دیگری که اولاً بصورت دستجمعی باشد ، ثانیاً تداوم داشته باشد و سرانجام منجر به ایجاد تشکلات مستقل گردد ، موجب تحقق خواسته های اقتصادی کارگران خواهد شد . در این پروسه است که کارگران درک خواهند کرد که با وجود تامین بخشی از خواسته های آنها ، بازهم معضل بیکاری و قراردادهای موقت و دیگر مشکلات بهمراه بحران اقتصادی که ریشه در جوامع سرمایه داری داشته و در کشورهای مشابه ایران مسائلی همچون رانت ، فساد و بی لیاقتی مسولان آنها بیشتر دامن می زند ، باید بفرار چاره اساسی بود .

آنزمان نهادهای قدرتمند سیاسی کارگران با رهبری خودشان پا خواهند گرفت تا توانایی تغییر نظام عملی گردد .

موارد بیشماری برای همکاری گسترده کارگران هر واحد تولیدی و یا خدماتی وجود دارند همچون ؛ افزایش دستمزد ، لغو قراردادهای موقت ، حذف پیمانکاران و استخدام رسمی ، افزایش حق مسکن و اولاد و موارد دیگری که در برخی خواسته ها مشترک بوده و امکان همکاری با یکدیگر و حتی سراسر کشور نیز وجود دارند . یاس و ناامیدی نباید هرگز کارگران را از تداوم اعتراضات منع کند و این وظیفه کارگران آگاه و فعالین است که مانع اینکار گردند . اخیرا رییس انجمن صنفی کارگران پیمانکاران پتروشیمی تبریز از وزارت نفت درخواست ترک تشریفات مناقصه برای جایگزینی تعاونی خود بجای پیمانکار از دولت را خواسته است . نباید فراموش کرد که بسیاری از پیمانکاران زمان رفسنجانی با همین دید از بین کارمندان متخصص و برخی تکنسینها ایجاد شده و بتدریج یا برخی از آنان به پیمانکار تبدیل شدند و یا شرکت تعاونی و یا دیگر شرکتها را به مدیران و وابستگان آنزمان واگذار کردند . شکل تعاونی دادن به کارگران پیمانی کلاه شرعی است که برسر کارگران گذاشته شده و پس از مدتی مجددا نقش آنها به کارگران مزدبگیر دیگران تبدیل خواهد شد تا برخی نیز به خرده بورژواهای وابسته دولتی تبدیل گردند . گرچه گرفتن کار از دولت چون با رانت و وابستگی عملی است لذا تعاونی غیروابسته ناچارند پس از مدتی آنرا واگذار کنند . کارگرانی که میخواهند پیمانکارهای دلال را حذف کنند نباید فریب این سراب سوسیال دموکراسی و تخیلی را بخورند .

در اینروزها حمایت از کارگران ایرانی در خارج کشور توسط فعالین چپ افزایش یافته و فراخوانهای متعددی در شهرهای خارج کشوری که خوشبختانه و یا متأسفانه مملو از ایرانیان مهاجر است که در میان آنها افراد با گرایش چپ نیز کم نیست ، اعلام شده است . البته امیدی به بخشی از سوسیال دموکراسی نیست که در نهایت تاسف حاضر شده از افکار مارکس و لنین عبور کرده و با اصلاح طلبان برای انتخابات آزاد (؟) نشست و کنگره برگزار می کنند . اما روشن نیست روز کارگر موجب می گردد که گروههای چپ نیز در موضوعات مشترکی همچون حمایت از کارگران زندانی ، حق ایجاد تشکل مستقل ، حق اعتصاب و حمایت از افزایش دستمزد ، حاضرند با یکدیگر و افراد منفرد حامی به تظاهرات برخیزند . آیا بازهم تعداد پرچمهای سرخ بیشتر از محدود افراد گروهها در میدانی خارج کشور خواهد بود و یا اینکه تجمعات گسترده آنها موجب می گردد تا اتحادیه های کارگری بین المللی ، سازمانهای حقوق بشری ، گروههای سیاسی دموکرات و لیبرال ایرانی و خارجی و حتی دولتها را وادار کنند که در کنگره هایشان به حمایت کارگران ایران برخیزند ؟ باید منتظر ماند و دید و امید داشت تا این بخش از گروههای چپ به شعارها و آرمانی که مدام تبلیغ می کنند وفادار باشند .

آری به روز کارگر چند روزی بیشتر نمانده و طبیعی است که کارگران آگاه و فعالین قادر نخواهند بود که سازماندهی گسترده ای برای تجمع ، چرا که راه پیمایی با سرکوب شدید همراه خواهد بود ، انجام دهند . اما مگر قرار است در یک روز همه خواسته های کارگران عملی گردد ، روز کارگر تنها سمبلی است که به کارگران جهان نشان می دهد که همه در یک طبقه قرار داشته و تنها راه پیروزی سرنگونی طبقه سرمایه دار در همه کشورها است . روز کارگر درد مشترک همه کارگران جهان را بیان می کند که همگی بیک شکل استثمار می گردند ، اما این موضوع بمعنی جنبش و قیام سراسری برضد نظامهای سرمایه داری نبوده که کار غیر عملی است . بنابراین وظیفه کارگران هرکشور است که ضمن همدردی با یکدیگر ، به ایجاد نهادهای قدرتمند کارگری در کشور خود پرداخته و از طریق ایجاد سازمانهای سیاسی خود به سرنگونی نظام سرمایه داری در کشور خود برخیزند . این نهادهای قدرتمند است که در صورت ایجاد قادر خواهند بود که به بیعملی امروز اتحادیه های کارگری بین المللی پایان داده و با حمایتهای بی دریغ از یکدیگر پشتیبانی کرده تا مراسم روز کارگر را باشکوه برگزار نمایند .

روز کارگر مبارک باد

گروه پژوهش کارگری اردیبهشت ۱۳۹۲